



# برخورد با عاملی از زمان و زمانه

اصغر ندیری

۱. آیا شده است هنگامی که از خانه خارج می‌شوید، با عاملی از زمان گذشته یعنی تاریخ یا دیدنی‌های زمین‌شناختی و جغرافیایی برخورد کنید؟

شعر یا متنی خوشایند را چطور، آیا دیده یا شنیده‌اید؟ حتماً بسیار از پندها، ضرب‌المثل‌ها و جملات بزرگان دین و ادب و علم خودمان استفاده کرده‌اید! اگر به بازار سنتی و قدیمی شهر گذرتان افتاده است، نرمی و درشتی آجرها و سنگ‌فرش آن را زیر پا حس کرده‌اید؟ سقف‌های گنبدی و ضربی با گچ‌بری‌های استادانه‌ی قرن‌ها پیش! آیا این‌ها شما را، شمای که فرهنگی و آموزگار هستید، به درون گذرگاه زمان نبرده است؟ در آینه‌کاری آرامگاه‌های بزرگان هزاربار خود و دیگران را ندیده‌اید! آینه در آینه‌ای که به چشمک ستارگانی می‌ماند که حکایت میلیون‌ها سال را در سوسو زدن خود بیان می‌کنند.

در این آب و خاک، هرگاه از خانه بیرون می‌آییم، ذهنیتی علمی و فرهنگی ما را در احاطه دارد و هرگاه پا به معبر عام می‌گذاریم، با تاریخ و ادبیات و ریاضی و هنر و اخلاق روبه‌رو می‌شویم.

حیرت می‌افزاید، اما نیاز است برای درک بیشتر، راهنما، معلم یا بلدی حضور داشته باشد که با تلنگری چشمان خیره را به خود آورد. و ما چه شاد شدیم هنگامی که یک معلم هنر به نام **مجید کاظمی** در این گشت و گذار کوتاه همراهمان شد.

از در ورودی که داخل می‌شوی، بی‌اختیار نظر به بالا می‌افتنی، کتیبه‌هایی با خط عالی نستعلیق و کاشی‌کاری‌هایی با لعاب لاجوردی یا سیاه، هر کدام نمایی است از تاریخ و از صفویه تا قاجار و عمل دست هنرمندانی که متواضعانه در آن آستان اذن دخول قرائت می‌کردند و با سرفرازی هنر خود را بر دیوار یا طاق می‌نشانند. هنوز چشمانم بر کاشی‌کاری حلزونی و موزون سر در ورودی است که مرا با خود به بالا می‌کشد.

پس از آنکه از بقعه خارج شدم، هنوز فکرم آنجا بود. از خود پرسیدم، این همه جوان دور تا دور این بقعه و در غرفه‌های اطراف چه می‌کنند؟ این همه رفت و آمد از چیست؟ این دلدادگان در پس چه چیز چنین دست‌های ادب را به سینه می‌گذارند و در دل لابه کرده، اشک از دیده جاری می‌سازند. و پاسخ شنیدم که این هم از کارکردهای اجتماعی چنین مکان‌هایی است که آدمی را از هر جنس و قشر به خود می‌کشد. با خودم گفتم، خوشا به حال اهالی این شهر که در محاصره‌های خوشایند از حصار تاریخ و جغرافیا، آیین، ادبیات، هنر و معماری هستند. باید برای نوبتی دیگر به این بارگاه ارزشمند سر زد. اما بیرون از این آستان هم می‌توان با زمانه ارتباط ایجاد کرد. عکس‌ها، خبرها و سازهایی که بیننده را می‌تواند از گذشته به حال آورد. حال شما با این همه دیدنی چگونه

است؟

۲. چندی پیش فرصتی پیش آمد تا در شهر قزوین با آموزگاران هم‌نشین شویم که هر زمان قدم از قدم برمی‌دارند، در شهرشان با پدیده‌های رمزآلود و احساس‌برانگیز از تاریخ پربار این کشور برخورد می‌کنند. و معلمان این شهر مانند بسیاری جاهای دیگر ایران چه اندازه خوش‌اقبال هستند که می‌توانند بیرون از کتاب درسی و چارچوب کلاسی، فضایی آموزشی به بزرگی زمین را در اختیار داشته باشند!

میزبانان مهربان و خدوم محبت کردند و ما را به زیارت آستانی متبرک بردند که به گواهی مورخان و نویسندگان، مزار فرزند **امام رضا(ع)**، به نام **شاهزاده حسین بن علی بن موسی‌الرضا(ع)**، است. جایی که هنر در آن موج می‌زند. هر چند در نگاه اول عظمت مکین و مکان این آستان

